

(۳)

دمکراسی

و

دادگستری

در

ژاپن

کوتاروتاناکا

ترجمه و تلخیص

دکتر محمود سلجوقی

قاضی دادگستری

ما در اینجا کوششی بکار نبردیم تا جزئیات ودقایقی را که در آیین دادرسی،
خاصه برای حفظ حقوق بشر در نظر گرفته شده، شرح دهیم. تعدادی از اصول
اساسی قدیم وجدید در این زمینه مقام شایسته‌ای احراز کرده و در قانون اساسی
نیز منعکس شده‌اند. مامی توانیم بمواردی از اصول مزبور در اینجا اشاره کنیم،
مانند شرط دادرسی منظم؛ محدودیت اختیار بازداشت، توقیف، ضبط وغیره؛

حق بازجویی حضوری، حق همراه داشتن و کیل، حق امتناع شاهد از ادای پاسخ هنگامی که پاسخ او ممکن است موجب توجه جنایتی باو گردد.

شایسته است خاطر نشان شود که در ژاپن بجای اصل مداخله دادسرا که در اسلوب کشورهای قاره اروپا پذیرفته شده، اصل طرفین دعوی قبول گردیده است. این ترتیب جدید وضع دادسرا را در کشور مزبور تغییر داده و به آن همان حالتی را بخشیده که متهم در مقام دادرسی از آن برخوردار می باشد.

بطور خلاصه قانون اساسی جدید نظاماتی را مقرر داشته که باید به اسلوب قضایی ژاپن خصیصه دمکراتیک بیشتری اعطا نماید. برای آنکه این مقررات از حالت نظری خارج و در زندگی اجتماعی و عملی مردم مؤثر واقع گردد، باید مردم مجاهدت کنند تا چنین اسلوبی را بدرستی درک کنند و قضات نیز بدون استثنا بکوششهای خود در راه حمایت بیدریغ از آن بیفزایند. محققاً اسلوب مزبور حالت تحول پذیرفته، ولی از قید سنن و عادات و عرفهای کهن و قدیمی رهایی نیافته است. قضات محاکم و دادسراها و کلاً بایست بدانند که بایکدیگر طرف دعوی نیستند، بلکه بر اساس قانون برای حفظ نظم دارای مسئولیت مشترکی می باشند و بایست در اجرای عدالت و دفاع از آزادی مساعی خود را هم آهنگ و تلفیق نمایند. آنها هنگامی به کسب چنین روحیه ای نایل می گردند که صمیمانه عقیده یابند که تنها حکومت واقعی مردم بمردم بر پایه احترام باصل قانون استوار است.

ممکن است سؤال شود که راه نیل باین اعتقاد و رفع تمام معایب موجود در اسلوب قضایی بنحوی که برای رفع نیازمندیهای معقول برای مردم مفید واقع گردد، چیست؟ برای گفتن پاسخ شایسته است، بدون نکته اساسی که باید مورد توجه همه قضات ژاپن باشد، اشاره گردد:

در ژاپن در سابق این تمایل موجود بود که جنبه اداری و عملی آیین دادرسی، با آنکه متخصصین آنرا بدقت مورد مطالعه قرار می دادند، بفراموشی سپرده شود. بنابراین قضات و وکلای این کشور باید بدو با انتقاد موضوعی

جهد نمایند که امور کشور خود را تا سطح موازن بین المللی بالا ببرند. خوشبختانه این طرز فکر در کشور ما شروع بگسترش کرده است. پس از خانمه جنگ مبادله سیاح بین ژاپن و ایالات متحده توسعه یافته است. عده ای از قضات محاکم و دادسراها و وکلای ژاپن از ایالات متحده آمریکا بازدید بعمل آورده و سازمان قضایی کشور مزبور را مورد مطالعه قرار داده و پس از بازگشت بوطن خود اطلاعات مکتسبه را در طریق بهبود اداره امور دادگستری بکار گرفته اند. این مسافرت های سودمند بدرجات متفاوت در انگلستان و سایر کشورها نیز بعمل آمده است. محقق است که بمناسبت شرکت نمایندگان و محققین ژاپن درکنگره جهانی حقوقدانان که در آن نمایندگان کشورهای مختلف حضور می یابند، صاحبان مناصب قضایی ژاپن وظیفه دادگستری را بهتر شناخته به مسئله همگانی بودن آن بیشتر پی می برند و مطلع می گردند که چگونه مطالعه تطبیقی حقوق و همکاری بین ملل برای نیل به هدف عمومی ضروری باشد.



این مسئله بخصوص قابل اشاره است که افکار قضات و وکلای ژاپن تحت تاثیر آیین دادرسی آلمان شکل گرفته و نیز با افکار قضایی انگلیسی-آمریکایی مانوس گردیده اند. پس از جنگ جهانی دوم ما بیشتر از گذشته در آرای خود به رسالات حقوقی انگلیسی-آمریکایی اشاره می کنیم. تجربه نشان داده است که ما در مقیاس وسیعی می توانیم دو سنت قضایی، یعنی سنت مربوط بکشورهای قاره ای اروپا و سنت انگلیسی-آمریکایی را با یکدیگر سازش دهیم. هنگامی که هدف واحد است، وسایل و روشهای مورد استفاده قضات کشورهای مختلف بمناسبت متابعت از این یا آن اسلوب قضایی از نظر اساسی تفاوت نمی کند؛ در مرحله دوم همکاری ملل مختلف، برای نیل به هدفهای ناشی از اعتقاد بهمگانی بودن وظیفه دادگستری، میسر نخواهد بود، مگر در صورت معتقد بودن بوجود این اصل اساسی که در مورد همه بشریت عمومیت داشته و عدالت و آزادی بر روی آن بنا شده باشد. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و اعلامیه جهانی حقوق

بشر بسال ۱۹۴۸ و نیز قانون اساسی مخصوص ما بر اساس اخلاق استوار گردیده‌اند. بر حسب این اصول تشخیص داده می‌شود که آیا ملتی آزادی‌محکوم دولت است و آیا بر تری حقوق پذیرفته گردیده یا زندگی تحت حکومت فشار و زور اختیار شده است. همه ملل آزادگیتی باید با توحید مساعی خود مجاهدات خویش را در راه اجرای صحیح این اصول متمرکز سازند. این شرط پیشرفت « حکومت آزاد مردم بر مردم » در دنیا است که بدون آن صلح و ترقی با هم غیر ممکن است. در اینجا هر کس وظایفی به‌عهده دارد و صاحبان مشاغل قضایی ژاپن نیز باید سهم خود را در این باره ایفا کنند.

پایان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی